

## اخلاق قضاء

### از سلسله بحثهای ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیه الله یزدی

قال الله تعالى في كتابه: ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها و اذا حکمتم  
بين الناس ان تحکموا بالعدل (۱)

قرار شد که بحث کوتاهی برای تبیین بعضی از مسائل درباره نحوه برخورد  
در رفتار همکاران قضائی داشته باشم تحت عنوان اخلاق قضاء، من این بحث را  
با این آیه شریفه شروع می‌کنم. گرچه آیه اختصاص به کار قاضی ندارد و حکم  
در این آیه شریفه اعم است از احکام صادره‌ی توسط قضات محاکم یا تصمیماتی  
که توسط حکام و مسئولان حکومتی گرفته می‌شود، ولی بدون تردید شامل آراء و  
احکام نهایی قضات هم هست، چه قرآن کریم می‌فرماید: وقتی حکم کردید باید به  
عدل حکم کنید. عدل معنای روشنی دارد. مقصود این است که آنچه حق است و

وضع شیئیء به موضع<sup>(۱)</sup> خود و هرچیز را بجای خود قرار دادن را عدل می‌دانند یعنی بعد از آنکه حقیقت روشن شد می‌بایست همان جور که حق هست براساس همان حق حکم شود.

این يك بحث ساده<sup>۱</sup> روشنی است که قاضی باید براساس حق وقتی روشن شد حکم کند، بحث فنی روشن شدن حق و یا حکم کردن به حق يك بحث جدایی است برای خودش که حق چیست و ملاک آن چیست چگونه روشن می‌شود آنچه که ما الآن درصدد گفتگوی آن هستیم تحت عنوان اخلاق یعنی کیفیت کار است. اصل کار را درجای خود بحث کردیم. کیفیت کار مورد بحث است وقتی ما می‌گوئیم اخلاق قضاء و یا کیفیت کارقاضی، درنظرعامه مردم مقصود از قاضی رئیس محکمه است. ولی درسیستم کار قضائی دادیار، دادسر، بازپرس و دادستان و حتی مشاور هم قاضی است و رئیس محکمه هم قاضی است، بحث ما اختصاص به رئیس محکمه درحال محاکمه ندارد. حتی آن دادیار هم وقتی درصدد تحقیق بر می‌آید، یا بازپرس وقتی سؤال و جواب‌های خود را شروع می‌کند و یا دادستان وقتی می‌خواهد قرار و نظر را بدهد یا کیفرخواست را تنظیم کند تا رئیس محکمه وقتی می‌خواهد محاکمه انجام دهد.

بحث ما شامل کیفیت رفتار آقایان قضات درهمه این مراحل است.

طبیعی است که قضات به هنگام کار برخی از مسائل را به شکل مشترک باید رعایت کنند و برخی از مسائل است که اختصاص به حوزه کاری خودشان دارد طبعاً این مسائل را می‌شود دسته‌بندی کرد. قسمتی از آن در ارتباط با خود شخص است چه آن قاضی دادیار باشد و چه بازپرس و چه دادستان و یا رئیس محکمه و حتی مشاور باشد درحال دادن نظر مشورتی و برخی از اینها مربوط به بین خودشان و دیگران است آن چیزهایی را که باید خود قاضی قبل از شروع کار خود رعایت کند و مربوط به شخص خودش می‌شود چند حالت است و من به

۱- و به بیان حضرت علی درتعریف عدل(العدل یضع الامور مواضعها) عدل، یعنی: قرار دادن جریانه در مجرای طبیعی خود(نهج البلاغه).

شکل ساده‌تر عرض می‌کنم گرچه در روایات ما و دستورالعمل‌های فقهی و درحقیقت آداب قضاء به تفصیل و به تعابیر گوناگون بیان شده است به‌عنوان مثال در روایات گفته شده که قاضی وقتی کارش را شروع می‌کند نباید خشمگین<sup>۱</sup> باشد می‌بایست حالت طبیعی داشته باشد و یا حتی نباید گرسنه باشد می‌بایست حالت عادی داشته باشد و همچنین مسائلی که در این رابطه به شکل فنی بیان شده است من به‌طور ساده می‌توانم بگویم قاضی وقتی کارش را می‌خواهد شروع کند چه دادیار و چه رئیس محکمه می‌بایست یک آرامش خاصی را در خود ببیند که گویا از همه چیز فارغ است و فقط درصدد تحقیق و تبیین موضوع است. یک دادیار تحقیق، و یا فقط درصدد کشف حقیقت است در مقام بازپرسی‌هایش و بررسی‌هایش و همچنین در جلسه محاکمه و سؤال و جواب بامتهم. داشتن حالت طبیعی و آرام یک مطلبی نیست که باید از عوامل بیرونی ساخته شود. درست است و جای تردید نیست که شرایط زندگی و امکانات و وسایل در پیدا کردن این آرامش نقش مؤثری دارد، درست است که وضعیت اجتماعی و محل کار و شرایطی که در جامعه وجود دارد ممکن است روی مسئله مورد بحث و بهم‌زدن آرامش تأثیر داشته باشد. اما آنچه که الآن مورد نظر است این است که این قاضی می‌بایست از درون آنقدر بر روحیه و حالت خودش تسلط داشته باشد که بتواند این آرامش خودش را حفظ کند یعنی واقعاً خود را جدا کند از مسائل زندگی شخصی از مسائلی که در جامعه برای جهت دادن به کار این قاضی احیاناً بوجود می‌آورند یا مسائلی که از آن تعبیر می‌شود به جوسازی‌هایی که توسط احیاناً جراید و روزنامه‌ها توسط تظاهرات، اجتماعات یا شعارها که خودبه‌خود در سایه عواطف عمومی یا خشمگین شدن جمعی رخ می‌دهد. قاضی وقتی می‌خواهد درباره آن تحقیق کند می‌بایست خودش را از همه این مسائل کنار بکشد و با ادله، با قرائن، با شواهد، پیگیری‌های لازم، استفاده از جهات فنی، استفاده از جهات علمی (که اگر فرصتی بود بتدریج مصادیق و موضوعاتی را اشاره خواهم کرد).

۱- عن ابی عبد... قال: قال رسول الله «ص»: من ابتلی بالقضاء فلا یقضی و هو غصبان (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۰۶).

به هر حال به دست آوردن چنین حالت آرام چیزی نیست که از عوامل بیرونی ساخته شود، بلکه گاهی عوامل بیرونی موجب این نگرانی یا خشمگین شدن یا جهت پیدا کردن مسئله ممکن است باشد و قاضی باید کاملاً دقت کند که نتواند تحت تأثیر این عوامل قرار گیرد بلکه حق را استکشاف کند و این استکشاف حق يك مقدار زیادی بستگی دارد به حالت آرامش و يك نوع تسلط بر نفس یا به تعبیر دیگر يك نوع ظرفیت روحی و هم بردباری که بخصوص در مواردی که قرار می‌گیرد در برابر اشخاص یا حتی در برابر جمعی که در محکمه حضور دارند یا کسانی که در محل حادثه اجتماع می‌کنند و قاضی تحقیق در صدد جمع‌آوری ادله است و یا شخصی که مورد بازپرسی قرار می‌گیرد و پاسخ‌هایی که می‌دهد ممکن است این عوامل بخواهد در روح قاضی اثر بگذارد و او را يك مقداری از حالت طبیعی بیرون آورد، او را خشمگین کند، یا او را به طرف دیگری بکشاند، قاضی می‌بایست در این‌جا کمال قدرت تسلط بر نفس را داشته باشد.

ما این شرایط گوناگون ذکر شده در کتب آداب قضا را بخش زیادی از آن را در این توصیف یعنی - در این حالت آرام بودن بدون داشتن هیچ نوع هراسی دلهره، واهمه و ناآرامی کار خودش را شروع کند - همه این شرایط را در این مسئله نمی‌آوریم اگر گفته شده است گرسنه نباید باشد اگر گفته شد سیر نباید باشد اگر گفته شده است غضبناک نباید باشد این‌ها شواهد و نمونه‌هایی است که یعنی از حالتی که برای استکشاف حق منع می‌کند و مشکل ایجاد می‌کند باید دور باشد پس در يك کلام یکی از روحیات، حالات و اگر اخلاق یا خلق هم به طور فنی صدق نکند این حالت را و این صفت را قطعاً باید داشته باشد که طبعاً هر صفتی وقتی يك مقدار تکرار شد و در نفس نفوذ پیدا کرد از آن خلق هم یاد می‌شود، و اگر ما می‌گوئیم یکی از خلق‌هایی که قاضی باید داشته باشد این آرامش است این تعبیر نادرستی نیست البته این کار در گرفتن و در شنیدن ساده است اما در عمل ممکن است کمی مشکل باشد. و قضات محترم و همکاران عزیز می‌بایست حتماً در رسیدن باین مرحله با تمرین و تجربه و تکرار، خودشان را برسانند باین مرحله.

مسئله دوم که باز مربوط به وضعیت درونی خود شخص است مسئله یکسان‌نگری است یعنی: قاضی می‌بایست نسبت به مسائل مختلفی که با آن روبرو می‌شود و اشخاص مختلفی که ذینفع هستند در مسئله حالت یکسان‌نگری داشته باشند همه<sup>(۱)</sup> را با یک چشم ببیند، هیچ‌وقت تحت تأثیر موقعیت و مقام و شخصیت یکی از دو طرف قضیه قرار نگیرد یا حتی درمسائلی که دوطرفی نیست و یک‌طرف بیشتر وجود ندارد و مراجعه کرده است برای گرفتن یک رأی یا یک نظر یا تعیین یک تکلیف برای او (قاضی) تفاوت نکند که این مراجعه‌کننده و این شخص یک مقام است، دارای یک منصبی است، یا یک فرد بسیار ساده‌ای در جامعه است، هیچ تفاوت برای قاضی نکند فقیر است، غنی است، جوان است، پیر است، زن است، مرد است، این‌ها برایش تفاوت نکند او یک انسان است و برای احقاق یک حق مراجعه کرده است و وظیفه قاضی استکشاف حق و بعد گرفتن حق کسی که طلب حق می‌کند، هیچ تفاوت نمی‌کند که کسی که دنبال حقتش آمده چه کسی است و این حالت را قاضی باید درخودش تمرین کند و درحقیقت روحیه خودش را برساند به نقطه‌ای که این عوامل بیرونی و شخصیتها نتوانند در او تأثیر بگذارند البته مسائل اجتماعی مسائل خاص خودش است آداب معاشرت مسائل خودش را دارد رعایت شئون اشخاص حساب خودش را دارد اما در مقام استکشاف حق و احقاق حق کمترین تفاوتی بین بالاترین و قوی‌ترین فرد با پائین‌ترین و ضعیف‌ترین فرد نباید وجود داشته باشد.

حالت دوم هم باید از جمله صفات و روحیات و خلقهائی به حساب آورد که قاضی حتماً باید درخودش این حالت را ببیند و داشته باشد البته ممکن است واقعا برای قضات محترمی که تازه کار خودشان را شروع کرده‌اند کمی مشکل

۱- قال امیرالمؤمنین ع: من ابتلی بالقضاء فلیواس بینهم فی الاشارة و فی النظر و فی المجلس و مسائل الشیعه ج ۱۸ چاپ اسلامیه ص ۱۵۷ و حدیثی دیگر از مستدرک الوسائل ج ۱۷ بنقل از فقه الرضا درباب تساوی بین الخصمین از امام رضا(ع) نقل شده است «اعلم انه یجب علیک ان تساوی بین الخصمین حتی انظر الیهما حتی لایکون نظرك الی احدهما اکثر من نظرك الی الثانی».

باشد اما مثل بسیاری از مسائل دیگر که با کمی تمرین با دقت، با توجه، با بیاد آوردن عواقبی که تخلف از این حالات ممکن است داشته باشد بتواند انسان خودش را تطبیق بدهد و این حالت یکسان‌نگری را در خودش داشته باشد.

سومین موضوعی که می‌شود اینجا به آن اشاره کرد و نامش را یکی از خلق‌های قضا گذاشت (از صفاتی که قاضی در هر مرحله‌ای که هست باید به آن توجه بکند) مسئله ادب و رعایت احترام است که قاضی باید همواره از کلمات و لغاتی که بار تأدب دارد استفاده کند و به کار گرفتن واژه‌هایی که تحقیرآمیز است و طرف را تضعیف می‌کند و تحقیر می‌کند از زبان یک قاضی حتی در مرحله تحقیق و بازپرسی شایسته قضا و قاضی نیست.

قاضی می‌بایست با تمرین خودش را برساند به این نقطه که کلماتی که به کار می‌برد همیشه کلمات مؤدب باشد کلمات قابل قبول عرف جامعه باشد جامعه وقتی می‌بیند، یا می‌شنود، یا حاضر می‌شود در محکمه و گوش می‌دهد یا حتی شخص متهم در مقام بازپرسی وقتی از زبان بازپرس کلمات و سؤالات را می‌شنود و می‌خواهد پاسخ بدهد احساس نکند که این آقای قاضی دارد او را تحقیر می‌کند، دارد او را می‌کوبد و درحقیقت دارد او را محکوم می‌کند. در کلماتی که قبل از رسیدن به حکم به کار می‌رود. به کار گرفتن واژه‌هایی تحقیرآمیز درحقیقت معنایش این است که قاضی یک پیش‌قضاوت دارد و قبلاً او را یک آدم مجرم به حساب آورده و این خلاف شأن قضا است و ملاحظه می‌فرمائید که حضرت امیرالمؤمنین سلام‌الله علیه به شریح قاضی با بیان بسیار ساده و دقیقی همین مسائل را چگونه یاد آوری می‌فرمایند<sup>(۱)</sup>. اول باو تذکر می‌دهند که دقت کن کجا قرارداری؟ و درچه محلی می‌نشینی؟ و دکه‌القضا یا دادگاه و یا داسرا و آن مقامی که تو اشغال کرده‌ای جایی است که یا یک پیامبر می‌نشینی یا یک جانشین پیامبر و اگر نه هیچ‌یک از این دو بود یک آدم شقی منحرفی در آن جا هست یعنی اگر با منش و روش و رفتار پیامبر و جانشین پیامبر عمل شد کار

۱- عن ابی عبدالله قال: امیرالمؤمنین ع لشریح: یا شریح قدجلست مجلساً لایجلسه الانبی، او و وصی نبی، او شقی (وسایل الشیعه ج ۱۸ کتاب القضاء ص ۷).

درستی است والا کار يك آدم طاغی و یاغی و متکبر يك آدمی که خودش را برتر از همه می‌بیند سمت برای او يك حالتی بوجود آورده که خودش را قاهر بر دیگران می‌بیند عمل می‌کند و این همان فرد شقی است که با منش و روش پیامبر و ولی نمی‌خواند. و جالب‌تر در ذیل همین بحث تعبیر این است که «ثم واسع<sup>(۱)</sup> بین المسلمین بوجهک و منطک و مجلسک» یعنی بعد از اینکه با اهمیت کار خودت توجه کردی بین مسلمانانی که مراجعه می‌کنند یا شما با آنها سرکار پیدا می‌کنید و در کار قضائی باید مواسات باشد، یا مساوات باشد هم با وجه یعنی چهره‌ات نسبت به همه یکسان باید باشد اگر توی روی یکی‌شان بخندی یا تبسم کنی و روی دیگری قیافه بگیري و عبوس شوی و با قیافه‌ات یکی را محکوم یکی را حاکم کنی این يك نوع تخلف است (بوجهک) یعنی: چهره‌ات، باید برای هر دو یکسان باشد. اگر چهره بشاش و خندانی داری که معمولاً قاضی باید چهره بشاش و خندانی داشته باشد برای هر دو یکسان باید باشد و اگر حتی کمی هم چهره‌ات گرفته است به هر دلیلی برای هر دو باید یکسان باشد «ومنطک» یعنی وقتی صحبت می‌کنی سؤال می‌کنی، وقتی پاسخ جواب طرف را می‌خواهی به نحوی بدهی یا توضیح از طرف بگیري در این گفتگویی که با طرفداری فرقی بین دوطرف دعوا نمی‌بایست بکند اگر حتی با یکی از این دو طرف صدای خود را بلندتر کردی و با دیگری صدايت را پائین‌تر آوردی یعنی برای يك کدامشان با تن صدا احترام قائل شدی و برای دیگری با تن صدا بی احترامی کردی بعبارت دیگر با صدا یکی را محکوم و دیگری را حاکم تلقی کردی خروج از عدالت است با چهره‌ات یکی‌شان را حاکم کردی یکی را محکوم کردی این خروج از عدالت است (ومجلسک) یعنی: هم قیافه و چهره هم زبان و کلمات و سخن و هم مجلس یعنی جایی که دوطرف دعوا نشسته‌اند اگر نزدیک به شما هستند هر دو یکسان باید باشند اگر دور هستند هر دو یکسان باید باشند اگر طرف راست تو هست هر دو یکسان هست اگر طرف چپ تو هست هر دو یکسان هست.

۱- وسائل الشیعه (شیخ حرعاملی ره) ج ۱۸ (چاپ اسلامیة) ابواب آداب القاضی ص ۱۵۵.

البته خوشبختانه همان‌طور که می‌دانیم امروز در تشکیلات بخصوص در محکمه و یا حتی در بازپرسی‌ها و شعب دادیاری وضعیت محلی که آن قاضی می‌نشیند و محلی که طرفین دعوا می‌نشینند بهمین دلیل کاملاً مشخص شده است و جای شاکی و متشاکی با جای متهم و قاضی و شهود کاملاً مشخص است و باین ترتیب باید در حقیقت این بحث را در ترتیب جلسه رعایت کردن یعنی آن موقع که وضعیت به شکل ساده‌تر بوده و یا امروز ممکن است در مواردی پیش بیاید یا در جایی که این امکانات نیست قاضی تحقیق اگر رفته است در محل وقوع حادثه و می‌خواهد تحقیق بکند و از افراد مختلفی دارد تحقیق می‌نماید نسبت به چهره و قیافه، کلمات و سخن و مجلس در حال نشستن و با آنها صحبت کردن یکی را دست راست خود بنشانند یکی را دست چپ خود بنشانند یکی را بلند حرف بزند یکی را آهسته حرف بزند. این‌ها را حضرت علی «سلام علیه» تصریح می‌فرماید این‌ها را نباید انجام دهد خیلی تعبیر جالب است یعنی آنقدر دقیق است که تن صدای<sup>(۱)</sup> را بحساب آورده است حضرت آنقدر دقیق است که چهره خندان یا عبوس را بحساب آورده جایگاه نشستن متهم یا شاکی یا متشاکی را بحساب آورده‌اند که محل جلوسش با قاضی در چه وضعی قرار دارد، بعد نتیجه دقت کنید چقدر جالب است که باید این نتیجه بدست آید «حتی لا یطمع قریبک فی صفک ولا یبأس عدوک من عدلک» آقای قاضی شما باید رفتارت در محل کارت در تماس و معاشرت با افرادی که با شما سرکار دارند باین نتیجه برسد که کسانی که به شما نزدیک‌اند همکارند رفیقند فامیل‌اند بسته و دوست هستند طمع نکنند در این که از حقوق دیگران برداری یا از اموال دیگران برداری و بآنها بدهی و انتظار حیف کردن مال

۱- در باب رعایت تن صدای و ملایم و آرام صحبت کردن به قدری توصیه شده است که علی (ع) ابوالاسودالدؤلی که از یاران و مخلصین امام است برای قضاوت انتخاب می‌نماید پس از مدتی وی را عزل می‌فرمایند علت سؤال می‌شود امام در پاسخ می‌فرماید به جهت اینکه بلندتر از اصحاب دعوی سخن می‌گفتی (مستدرک الوسائل - ج ۱۷ ابواب آداب القاضی ۳۰۹ - روی آن امیرالمؤمنین ع ولی ابوالاسود الدولی القضاء ثم عزله، فقال: لم عزلتني؟ و ماخنت ولا جنت! فقال (عليه السلام: اني رايت كلامك يعلو كلام خصمك).



مردم را داشته باشند، یعنی از شما توقع پیدا کنند که باید رعایتشان را بکنی و حق دیگران را بآنها بدهید (ولا یطمع قریبک فی حیفک) نزدیکان شما طمع نکنند در شما حیف بکنید یعنی: بناحق اموال دیگران را حقوق دیگران، را چیزهایی که مربوط به دیگران است بدهید بکسانی که نزدیک به شما هستند، قریب اعم است از بستگان، نزدیکان، همکاران، آشنایان، کسانی که رفت و آمد دارند، و به هر کیفیت وضعیت باید برسد به نقطه‌ای که چنین طمع‌ی در هیچ‌کس بوجود نیاید. چنانچه دشمنان شما که با شما مخالفاند، با شما دشمنند، عداوت دارند، شما را دوست ندارند، ولی چون در دستگاه قضائی کارشان بدست شما افتاده است (باید وضعیت شما چنین باشد که وقتی این دشمن کارش بدست شما افتاد) مایوس نشود از عدالت شما، یعنی: مطمئن باشد که شما با اینکه دشمنید، عدل را رعایت می‌کنید، حق را رعایت می‌کنید، ولی هیچ وقت این دوستی‌ها و دشمنی‌ها سبب نمی‌شود که حق او را رعایت نکنید. واقعاً انسان وقتی این کلمات را از زبان امیرالمؤمنین صلوات‌الله علیه که پیامبر خدا درباره ایشان فرموده است (اقضی کم علی) یعنی در مقام قضاوتش آن کسی که قضاوتش اداست واضح است و از همه بالاتر است حضرت علی (ع) سلام علیه می‌باشد. ایشان به یک قاضی منصوبشان می‌فرمایند که این‌طور روحیه و حالتی داشته باشی که با افراد درسخن گفتن، نشست و برخواست، جلسه محاکمه، جلسه تحقیق در چهره‌ات، زبانت، نشست و برخواستت، این قدر دقیق باشی که این چنین حالتی پیش بیاید که اگر با دشمن‌ترین دشمنانت روبرو شوی از آن دشمن بپرسی می‌گوید من یقین دارم که در حکم، ایشان حق را رعایت می‌کند ولو به ضرر من هم حکم بدهد، یقین دارم که حکمش عادلانه است. و یا نزدیکترین نزدیکانت مطمئن باشند که شما هیچ‌وقت حق دیگران را بر نمی‌داری و بآنها بدهی این حالات را آدم وقتی دقت می‌کند همان‌طور که عرض کردم در گفت و شنود ساده است ولی در عمل بخصوص برای کسانی که دستشان باز است برای کسانی که آخرین حرف را می‌زنند برای کسانی که در پرونده‌های سنگین می‌بایست تصمیم

بگیرند در پرونده‌هایی که گاهی مقامات در آن پرونده هستند گاهی شخصیتها در آن پرونده هستند و درمقابل آن هم افراد ضعیف و مردم زیادی در این پرونده هستند حال چه مسئله کیفری باشد، قتلی رخ داده باشد، جرحی رخ داده، جرم دیگری رخ داده، و چه مسئله حقوقی باشد، دعوایی هست، امری است مالی امری است حقوقی، و چه مسئله مدنی باشد. و هر نوع دعوایی، برای قاضی نمی‌بایست هیچ تفاوتی در این حالات وجود داشته باشد.

مطمئن هستیم که همکاران قضائی ما در نظام جمهوری اسلامی ایران قبل از اینکه باین سمت برسند در دوره دیدن کارآموزی از محاکم، بازپرسی‌ها، دادیاری، با قضاتی که روبرو می‌شوند زائد بر مسائل عینی یا تئوری این چیزهایی که از کتاب و گفتن و نوشتن نمی‌شود یادگرفت، در عمل باید یاد بگیرند.

و طبعاً در نظام اسلامی که مبنای اسلامی ملاک است، و حتی قاضی درموردی ناچار است به آن مبنای فقهی و اسلامی مراجعه کند. این روحيات را بطور کامل رعایت کنند و این قبیل روحيات و صفات است که قضاء در دنیا می‌تواند يك قضای به حقی باشد و می‌تواند به تمام سیستمهای قضایی دنیا نشان بدهد که قضای اسلام دقیق‌ترین روشهایی است که حقوق را رعایت می‌کند.

امیدوار هستیم که با رعایت این حالات و صفات بتوانیم خدمت خودمان را به مردم انجام بدهیم انشاء...  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی